نشانه‌های انسان حریص و آزمند

نرگس دوست‌محمدی

حرص و آزمندی، به معنای خواستن بیش از اندازه استحقاق و طمع به معنای خواستن بدون استحقاق است. از نگاه قرآن، طمع در مسائل معنوی و اخروی مشکلی ندارد؛ زیرا اصولا وقتی انسان به مقام اکرام الهی و اسم کریم می‌نگرد، فراتر از دایره عدالت، بر اساس حسن ظن به خدای کریم، امید به احسان و اکرام الهی دارد تا به جای عدل بر اساس فضل خویش با او معامله کند و از اینجاست که طمع اهل اعراف به بهشت زاده می‌شود.

البته دو وجه جلالی و اکرامی الهی موجب می‌شود تا انسان در حالت اعتدالی قرار گیرد که از آن به «خوف و طمع»، یا «ترس و شوق» در آموزه‌های قرآنی تعبیر شده است. اما حرص و طمع نسبت به امور مادی و دنیوی امری ناپسند است؛ زیرا نه تنها آرامش و آسودگی را از انسان سلب می‌کند، بلکه گرایش سیری ناپذیری را موجب می‌شود که عامل ظلم و تجاوز به حقوق دیگران می‌شود و نه تنها حریص را گرفتار انواع مشکلات روحی و روانی می‌کند، بلکه عامل بحران‌های اجتماعی در جوامع بشری می‌شود.

انسان حریص گرفتار گناه و عبور از خطوط قرمز احکام الهی می‌شود تا جایی که هیچ باکی ندارد که برای انباشت ثروت خویش از هر ابزار شرعی و غیر شرعی بهره گیرد.

در قرآن، افزون بر واژه «حرص» و مشتقات آن، از واژگانی چون «شحّ»، «هلوع» و مانند آنها برای بیان همین مفهوم اصطلاحی بهره گرفته شده است. البته شکی نیست که تمایزات میان این واژگان است، ولی در کلیت مفهومی با واژه حرص نزدیک و مترادف دانسته شده است.

آثار و نشانه‌های حرص و طمع

حرص به مادیات یک حالت باطنی و نفسانی و از صفات پست و از رذایل اخلاقی است لذا ناپسند شمرده شده است.

کسی که گرفتار این صفت و حالت باطنی و نفسانی است، در اعمال و رفتارش نشانه‌هایی را می‌توان یافت که بیانگر وجود این صفت پست در شخص است. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱.بخل ورزی: حریص به دنیا، انسان بخیلی است؛ زیرا دوست دارد که بر داشته‌هایش افزوده شود، هر چند که استحقاق آن را نداشته باشد؛ او اصولا گرایش به بذل و بخشش و احسان ندارد؛ زیرا چیزهایی را که دارد او را سیر نمی‌کند؛ پس چگونه دلش می‌آید که داشته‌هایش را بدهد در حالی که چیزی بر آن افزوده نمی‌شود، بلکه کاسته می‌گردد. از همین رو حریص انسان آزمندی است که حاضر به انفاق نیست، بلکه بشدت بخل می‌ورزد؛(و انه لحب الخیر لشدید؛ عادیات، آیه ۸) واژه شدید در این آیه از شده به معنای بخل ورزی و سختگیری نسبت به بخشش و انفاق است.(المصباح، ص ۳۰۷) پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) به این نکته توجه می‌دهد که بسیاری از رفتارهای زشت از جمله بخل ورزی ریشه در حرص آدمی دارد. ایشان می‌فرماید: إیّاکُم وَالشُّحّ فَإنّما هَلَکَ مَن کانَ قَبلَکُم بِالشُّحّ اَمَرَهُم بِالبُخلِ فَبَخِلوا وَأَمَرَ هُم بِالقَطیعَهِ فَقَطَعوا وَأَمَرَهُم بِالفُجورِ فَفَجَروا؛ از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند، حرص، آنها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند. به قطع رحم وادار کرد و با خویشاوندان قطع رابطه کردند. به بدی وادارشان کرد و بدکار شدند.(نهج الفصاحه ص ۳۵۳، ح ۹۹۲)

۲. مانع الخیر: از دیگر نشانه‌های حریص آن است که نه تنها خود بخل می‌ورزد، بلکه مانع الخیر است و نمی‌گذارد تا دیگران نیز خیررسانی داشته باشند(معارج، آیات ۱۹ و ۲۱)؛ زیرا هلوع نوعی حرص و آزمندی شدید است.

۳. سیری‌ناپذیری: از دیگر نشانه‌های حرص و طمع، سیری ناپذیری از داشته‌ها و نعمت‌ها است، به طوری که همه همت و اهتمام شخص دنیاگرا به آن است که بر مال و ثروت و قدرت خویش بیفزاید و دمی آرام و قرار نگیرد.بر همین اساس تنها در اندیشه جمع مال به هر شکل و طریقی است.(فجر، آیات ۱۸ تا ۲۰) حضرت امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: إنّ الدُّنیَا مَشغَلَهٌ عَن غَیرِهَا وَ لَم یُصِبْ صَاحِبُهَا مِنهَا شَیئاً إلّا فَتَحَتْ لَهُ حِرصاً عَلَیهَا وَ لَهَجاً بِهَا وَ لَن یَستَغنِیَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِیهَا عَمّا لَم یَبلُغهُ مِنهَا؛ براستی که دنیا آدمی را به کلّی سرگرم خود می سازد و دنیاپرست به چیزی از آن نرسد، مگر آنکه باب حرص و شیفتگی به آن بر رویش گشوده شود و به آنچه از این دنیا دست یافته اکتفا نمی کند تا در پی چیزی که به‌دست نیاورده برود. (نهج‌البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۲۳، نامه ۴۹) از نظر آموزه‌های قرآن، انسان، حریص و هلوع آفریده شده که به هنگام تنگنای مالی جزع و فزع می‌کند و به هنگام رفاه و آسایش مانع الخیر می‌شود(معارج، آیات ۱۹ تا ۲۱)؛ زیرا خاصیت حرص آن است که به داشته‌ها بسنده نمی‌کند و هر روز در جمع مال و ثروت تلاش می‌کند و خستگی‌ناپذیر و سیری‌ناپذیر است؛ امام جعفر صادق(ع)می فرماید: لَو أنّ لِإبنِ آدَمَ وادِیَیْنِ بَسیلانِ ذَهَباً وَفِضّهً لَابْتَغَی إلَیْهِما ثالِثاً؛ اگر فرزند آدم دو دشت سرشار از طلا و نقره داشته باشد، بدون شک به دنبال سومی خواهد گشت.(من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸)

۴.گناه و مخالفت با احکام الهی: انسان حریص گرفتار گناه و عبور از خطوط قرمز احکام الهی می‌شود تا جایی که هیچ باکی ندارد که برای انباشت ثروت خویش از هر ابزار شرعی و غیر شرعی بهره گیرد. بنابراین ممکن است به ظاهر مسلمان بلکه حتی از عالمان دینی باشد، ولی جز دین فروشی برای کسب متاع دنیوی کاری نمی‌کند.(مائده، آیات ۴۲ تا ۴۴) امام حسین(ع) می‌فرماید: لَیْسَت الْعفّهُ بِمَانِعَه رِزْقاً وَ لَا الْحِرْصُ بِجَالِبِ فَضْلًا وَ إنّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ وَ الأَجَلَ مَحْتُومٌ وَ اسْتِعْمَالَ الْحِرْصِ طَالِبُ الْمَأْثَمِ؛ نه خودداری از حرام و ناپسند، مانع روزی می‌شود و نه حرص، روزیِ بیشتر می‌آورد، که روزی تقسیم شده و اجل حتمی است و حرص به سوی گناه می‌کشد.(اعلام الدین، ص ۴۲۸) در حقیقت ممکن است که شخص حریص بداند که روزی تقسیم شده و مقدر است و حرص زدن او تاثیری ندارد، اما چون این صفت،غالب و حاکم بر نفس اوست، تلاش می‌کند تا به هر شکلی شده بر مال خویش بیفزاید.امام علی(ع) می‌فرماید: الْحِرْصُ وَ الْکِبْرُ وَ الْحَسَدُ دَوَاعٍ إلَی التَّقَحُّمِ فِی الذُّنُوب؛ حرص و تکبّر و حسادت، انگیزه‌های فرو رفتن در گناهانند.(نهج‌البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۴۱، ح ۳۷۱)

۵.فاقد قناعت و رضایت: حریص به قسمت شده‌ها و مقدرات الهی قانع نیست و به قضای الهی راضی نیست(طه، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱)؛ در حالی که نفس مؤمن، مطمئن به مقدرات الهی و راضی به قضای الهی است.(مفاتیح الجنان، زیارت امین‌الله) در حقیقت چشمان دنیاطلب و حریص چنان کشیده به مال و منال دیگران است که هیچ چیز، او را قانع نمی‌کند و به داشته‌هایش رضایت نمی‌دهد که مقدر و مقسوم اوست. از همین رو نه تنها راحتی و آرامش را از دست می‌دهد، بلکه هرگز به مقام «یقین» نمی‌رسد تا به خدا و قضا و قدر او ایمان و اطمینان یابد و رضایت دهد.

امام صادق(ع)می فرماید: حُرِمَ الْحَرِیصُ خَصْلَتَیْنِ وَ لَزِمَتْهُ خَصْلَتَانِ حُرِمَ الْقَنَاعَهَ فَافْتَقَدَ الرّاحَهَ وَ حُرِمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْیَقِینَ؛ حریص از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است.(خصال، صدوق، ص ۶۹؛ وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰، ح ۲۰۸۵۶) بنابراین، اگر کسی بخواهد از حرص برهد می‌بایست اهل قناعت باشد؛ زیرا قناعت، درمان حرص است؛ چنان‌که حضرت امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: اِنتَقِم مِنَ الحِرصِ بِالقَنَاعَهِ کَما تَنتَقِمُ مِنَ العَدُوِّ بِالقِصاصِ؛ از حرص، با قناعت انتقام بگیر، چنان‌که با قصاص از دشمن انتقام می‌گیری(شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۴، ح ۶۰۷) امام‌هادی(ع) می‌فرمایند: مَا اسْتَرَاحَ ذُو الْحِرْصِ؛ شخص طمّاع و حریص هیچ‌گاه آسایش و استراحت نخواهد داشت. (مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۳۳۶، حدیث ۱۱)

۶.چنبره غم و اندوه: از دیگر نشانه‌های حریص آن است که گرفتار غم و اندوه است و هرگز راحتی و آرامش و آسایش ندارد؛ زیرا اگر چیزی را از دست بدهد جزع می‌کند و اگر به او بدهند، مانع خیررسانی می‌شود و همواره حرص می‌زند که بیشتر داشته باشد.(معارج، آیات ۱۹ تا ۲۱؛ عادیات، آیه ۸) بنابراین، حرص، او را می‌گیرد و در چنبره آن گرفتار می‌شود و هرگز از آن رهایی ندارد.

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان، حریص و هلوع آفریده شده که به‌هنگام تنگنای مالی جزع و فزع می‌کند و به‌هنگام رفاه و آسایش مانع الخیر می‌شود زیرا خاصیت حرص آن است که به داشته‌ها بسنده نمی‌کند و هر روز در جمع مال و ثروت تلاش می‌کند و خستگی‌ناپذیر و سیری‌ناپذیر است؛ امام جعفر صادق(ع)می‌فرماید: اگر فرزند آدم دو دشت سرشار از طلا و نقره داشته باشد، بدون شک به دنبال سومی خواهد گشت.

به تعبیر حضرت امام باقر(ع) او در پیله‌ای که خود می‌بافد گرفتار است و در آن به هلاکت می‌افتد. ایشان می‌فرماید: مَثَلُ الْحَرِیصِ عَلَی الدُّنْیَا مَثَلُ دُودِهِ الْقَزِّ کُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَی نَفْسِهَا لَفّاً کَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتّی تَمُوتَ غَمّاً؛ مَثَل حریص به دنیا، مثل کرم ابریشم است که هر چه بیشتر دور خود ببافد خارج شدن از پیله بر او سخت‌تر می‌شود تا آنکه از غصه می میرد.(کافی، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۷) حضرت علی(ع) نیز می‌فرماید: أَغْنَی الأَغْنِیَاءِ مَنْ لَمْ یَکُنْ لِلْحِرْصِ أَسِیراً. بی‌نیازترین بی‌نیازان کسی است که اسیر حرص نباشد.(تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۲۹۵، ح ۶۶۳۱) پس حریص در دام حرص خویش اسیر و گرفتار است؛ اما کسی که از حرص برهد او ثروتمند و غنی حقیقی است.

۷.ابتلاء به عیوب: انسان حریص، به مال خویش می‌بالد و دیگران را بدان تحقیر می‌کند. بنابراین، عیوب خویش را نمی‌بیند و اموری چون نداری دیگران را عیب دانسته و حتی به عیب‌جویی می‌پردازد.(همزه، آیات ۱ و ۲) از نظر امیرمؤمنان حریص خود گرفتار انواع عیوب می‌شود: اَلحِرصُ موقِعٌ فی کَثیرِ العُیوبِ؛ حرص، انسان را به عیب‌های زیادی مبتلا می‌کند.(تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۲۹۵، ح ۶۶۳۹)

۸.ذلت: انسان حریص گرفتار ذلت و خواری است و کرامت خویش را از دست می‌دهد(فجر، آیات ۱۶ تا ۱۷) امیرمؤمنان(ع) نیز می‌فرماید: أَعْظَمُ النّاسِ ذُلّاً الطّامِعُ الْحَرِیصُ الْمُرِیب؛ ذلیل‌ترین مردم، کسی است که طمعکار، حریص و وسوسه‌گر باشد.(تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۲۹۵، ح ۶۶۱۸) همچنین ایشان می‌فرماید:وَ قَد سُئِلَ اَیّ ذُلٍّ أَذَلّ: الحِرصُ عَلَی الدُّنیَا؛ در پاسخ به این پرسش که کدام خواری بدتر است؟ فرمود: حرص به دنیا. (أمالی صدوق، صفحه ۳۲۲، حدیث ۴) بنابراین، برخی عزت را در مال و ثروت می‌جویند، در حالی که چنین نیست؛ و اینکه انسان چشمداشت به مال دیگری داشته باشد بسیار مذموم و ناپسند است(طه، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱)

اگر انسان بخواهد از حرص برهد و اهل ایمان باشد باید چنان عمل کند که امام جواد(ع)می فرماید:عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِناه عَنِ النّاسِ؛ عزّت و شخصیّت مؤمن در بی نیازی و طمع نداشتن به دیگران است.(بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۱۰۹، حدیث ۱۲)

۹.بدگمان به خدا: حریص، به خدا بدگمان است؛ زیرا به قسمت و مقدری که خدا برایش قرار داده رضایت ندارد و احساس می‌کند که خدا در حق او کم گذاشته و اهانت روا داشته و کرامت او را محافظت نکرده است(طه، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱)؛ و باید بیشتر از آنچه دارد به او می‌بخشید. امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: إنّ الْبُخْلَ وَ الْجُوْرَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتّی یَجْمَعُهَا سُوءُ الظّنِّ بِاللّه؛ بدرستی که بخل و ظلم و حرص، غریزه‌ها و تمایلات متعدد و پراکنده‌ای هستند که سوءظن به خداوند آنها را جمع می‌کند.(تحف العقول ص ۱۲۹)

۱۰. هلاکت و نابودی: حرص عامل هلاکت و نابودی حریص است؛ زیرا او را از رستگاری محروم و گرفتار انواع عیوب و گناهان می‌کند که هلاکت واقعی انسان در آن است. (مائده، آیات ۴۲ تا ۴۴؛ حشر، آیه ۹)

امام علی(ع) می‌فرماید: أَعْجَبُ مَا فِی الْإِنْسَانِ قَلْبُهُ وَ لَهُ مَوَارِدُ مِنَ الْحِکْمَه وَ أَضْدَادٌ مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَکَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَکَهُ الْیَأْسُ قَتَلَهُ الأَسَفُ... فَکُلّ تَقْصِیرٍ بِهِ مُضِرٌ وَ کُلّ إِفْرَاطٍ بِهِ مُفْسِدٌ؛ شگفت‌ترین عضو انسان قلب اوست و قلب مایه‌هایی از حکمت و ضد حکمت دارد. اگر آرزو به آن دست دهد، طمع خوارش می‌گرداند و اگر طمع در آن سر برکشد، حرص نابودش می‌کند و اگر ناامیدی بر آن مسلّط شود، اندوه، او را می کُشد... هر کوتاهی برایش زیان‌بار است و هر زیاده‌روی برایش تباهی آفرین.(علل الشرایع ص ۱۰۹، ح ۷)

۱۱. تکبر و تحقیر: انسان حریص انسان متکبری است که کرامت را برای خویش می‌داند؛ زیرا دارا و ثروتمند است، و دیگران را با نداری تحقیر و استهزاء می‌کند.(همزه، آیات ۱ و ۲) امام صادق(ع) می‌فرماید: اصولُ الکُفرِ ثَلاثَهٌ الحِرصُ وَ الاِستِکبارُ وَ الحَسَدُ؛ ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و بزرگ منشی کردن و حسد ورزیدن.(کافی، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱؛ امالی، صدوق، ص ۴۱۹؛ خصال، ص ۹۰)

۱۲. فقدان رستگاری: انسان حریص رستگار نمی‌شود؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل رستگاری حفظ و نگه داشتن نفس از بخل ورزی و عدم چشمداشت به مال و حقوق دیگران است که حریص گرفتار آن است.(حشر، آیه ۹؛ تغابن، آیه ۱۶) کسی که حریص است، به مقام رضا که اولیای الهی و رستگاران در آن قرار دارند، وارد نمی‌شود و از این امور محروم می‌ماند.(طه، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱)

۱۳. قطع رحم: حریص چون دنیا گرا و آخرت‌گریز است، نسبت به ارزش‌های انسانی از جمله صله رحم با خویشان و صله رحم نسبت به معصومان بی‌توجه است. از همین رو نسبت به آموزه‌های اسلام و قرآن بی‌توجه بوده و مخالفت می‌کند(مائده، آیات ۴۲ تا ۴۴) پیامبر(ص) می‌فرماید: إیّاکُم وَالشُّحّ فَإنّما هَلَکَ مَن کانَ قَبلَکُم بِالشُّحِّ اَمَرَهُم بالبُخلِ فَبَخِلوا وَأَمَرَهُم بِالقَطیعَهِ فَقَطَعوا وَأَمَرَهُم بِالفُجورِ فَفَجَروا؛ از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند، حرص، آنها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند. به قطع رحم وادار کرد و قطع رابطه با خویشاوندان کردند. به بدی وادارشان کرد و بدکار شدند. (نهج‌الفصاحه، ص ۳۵۳، ح ۹۹۲)

۱۴. محروم و مذموم: حریص از داشته‌های خویش محروم است و از آن بهره‌ای نمی‌برد، زیرا در اندیشه جمع کردن و انباشت ثروت است و همین امر موجب می‌شود تا غضب الهی بر مالش وارد شود و بسوزاند(قلم، آیات ۱۷ تا ۲۴) همچنین از سوی خدا و مردم مذموم بوده و رفتارش مورد سرزنش قرار می‌گیرد و ذلت و رسوایی برایش رقم می‌خورد(مائده، آیه ۴۱؛ فجر، آیات ۱۶ تا ۲۰) رسول خدا می‌فرمایند:الحَریصُ مَحرُومٌ، وَ هُوَ مَعَ حِرمَانِه مَذمُومٌ فی أیِّ شَیءٍ کَانَ، وَ کَیفَ لاَ یَکُونُ مَحرُوماً وَ قَد فَرّ مِن وِثَاقِ اللهِ تَعَالی؟ آدم حریص همیشه محروم است و افزون بر محروم بودن، در هرکاری که می‌کند نکوهیده است و چگونه محروم نباشد در حالی که از بند خدا گریخته است؟ (مصباح الشریعهٔ، صفحه ۱۸۷)

راه درمان حرص و طمع آن است که انسان به قضا و قدر الهی رضایت و اطمینان داشته باشد و از آخرت و عذاب الهی بترسد و با معادباوری و بهره‌گیری از نماز و تعهد به امانت و عهد و مانند آن، آزمندی خویش را مهار و مدیریت کند.

۱۵. شقاوت: حریص بهره‌ای از لطافت و نرمی نبرده و قلبش آکنده از شقاوت و سنگدلی است؛ از همین رو رحمی نسبت به خویشان بلکه مساکین نداشته و نسبت به خوردن مال یتیم گرایش دارد و هیچ باک و ابایی از آن ندارد.(فجر، آیات ۱۷ تا ۲۰؛ قلم، آیات ۱۷ تا ۲۴) در روایت است که امیرمؤمنان(ع) فرمود: مَنْ کَثُرَ حِرْصُهُ کَثُرَ شِقَاؤُهُ؛ آن که زیاد حرص زند، شقاوت (و بدبختی‌اش) بسیار شود. (غرر الحکم، حدیث ۸۶۰۲)

۱۶. بی‌صبری: حریص انسان بی‌صبر در برابر مشکلات و مصیبت‌ها و حتی در ساحت اطاعت است؛ زیرا در برابر مشکلات اقتصادی جزع می‌کند و نسبت به دیگران بخل می‌ورزد و حتی مانع خیر رسانی به دیگران می‌شود.(معارج، آیات ۱۹ تا ۲۱) اصولا حریص در دام فلسفه باطل دنیاگرایی و آخرت‌گریزی(بقره، آیات ۹۴ تا ۹۶) و وسوسه‌های شیطانی (بقره، آیات ۳۵ و ۳۶؛ اعراف، آیات ۲۰ و ۲۲) و مانند آنها است. از همین رو هر چیزی که مصداق مخالفت با دین است، برایش جذاب خواهد بود و از ارزش‌ها گریزان؛ پس نسبت به شنیدن دروغ و شایعات و پذیرش احکام تحریف شده و بدعت‌آمیز، حرام خواری و رشوه گیری(مائده، آیات ۴۱ تا ۴۴) و اصولا زندگی دنیوی چنان حریص است که هیچ خط قرمزی را نمی‌شناسد و دوست دارد که عمرش جاودانه یا دست کم هزارساله باشد.(بقره، آیه ۹۶) این خصلت تنها برای کافران و مشرکان غیر معتقد به آخرت نیست، بلکه مسلمانان سست ایمان نیز گرفتار چنین حرص به دنیا و مادیات آن هستند.(بقره، آیات ۹۴ تا ۹۶) راه درمان آن است که انسان به قضا و قدر الهی رضایت و اطمینان داشته باشد و از آخرت و عذاب الهی بترسد و با معادباوری و بهره‌گیری از نماز و تعهد به امانت و عهد و مانند آن، آزمندی خویش را مهار و مدیریت کند.(معارج، آیات ۱۸ تا ۳۲؛ حشر، آیه ۹؛ طه، آیه ۱۳۱) آنچه بیان شد بخشی از شاخصه‌های انسان‌های حریص است. در روایات نشانه‌های دیگری ذکر شده که به جهت اختصار به همین مقدار بسنده می‌شود.

حریص در دام فلسفه باطل دنیاگرایی و آخرت‌گریزی و وسوسه‌های شیطانی و مانند آنها است. از همین رو هر چیزی که مصداق مخالفت با دین است، برایش جذاب خواهد بود و از ارزش‌ها گریزان؛ پس نسبت به شنیدن دروغ و شایعات احکام تحریف شده و بدعت‌آمیز، حرام خواری و رشوه گیری و اصولا زندگی دنیوی چنان حریص است که هیچ خط قرمزی را نمی‌شناسد و دوست دارد که عمرش جاودانه یا دست کم هزارساله باشد. این خصلت تنها برای کافران و مشرکان غیر معتقد به آخرت نیست، بلکه مسلمانان سست ایمان نیز گرفتار چنین حرص به دنیا و مادیات آن هستند.

دوستی با جنس مخالف

شبهه: دوستی با جنس مخالف چه اشکالی دارد؟ آیا این محدودیت واقعا لازم است؟

پاسخ: ارتباطات انسانی و روابط دوستانه با دیگران، در ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام تعریف شده و محدوده آن کاملاً مشخص گردیده است. اسلام برای حفظ حریم خانواده و شکوفایی و کارآمدی آن و جلوگیری از بی‌بندوباری، اختلاط نسل‌ها و... برای ارتباطات افراد جامعه قوانینی وضع کرده است، از جمله آنها قانون محرم و نامحرم است.

از دیدگاه اسلام، ارتباط دوستانه و صمیمی میان دو جنس مخالف، فقط در چارچوب ازدواج معنا دارد.

البته حضور در اجتماع با رعایت موازین اسلامی و حفظ حجاب ظاهری و درونی در عرصه‌های علمی و مشارکت‌های اجتماعی قابل قبول است اما خارج از این چارچوب برای ایجاد ارتباط، اسلام ازدواج را توصیه می‌کند.

ازاین‌رو، در اسلام رابطه دوستی بین دختر و پسر یا زن و مرد نامحرم معنا ندارد. به فتوای همه مراجع تقلید، ردوبدل کردن سخنان تحریک‌آمیز (احساسی و ابراز علاقه) بین زن و مرد نامحرم حرام است.

قرآن کریم هم به مردان و هم به زنان توصیه می‌کند که از ایجاد رابطه دوستی با یکدیگر اجتناب کنند.

ازاین‌رو، به زنان می‌فرماید: با مردان به‌طور پنهان و خلوت به گفت‌وگو ننشینید. (مائده، آیه ۵) و یا در آیه‌ای دیگر به مردان توصیه می‌کند: با زنان و جنس مخالف در خلوت و پنهانی گفت‌وگو نکنید؛(نساء، آیه ۲۵)

یعنی همان‌طور که برای یک زن زشت و ناپسند است، دوست‌پسر داشته باشد، برای یک مرد نیز به همان اندازه زشت و ناپسند است که برای خود دوست‌دختر انتخاب کند و هر دو موظفند اصول اخلاقی و شرعی را رعایت کنند و حریم عفت و پاکدامنی را حفظ نمایند و نمی‌توان به بهانه آشنایی دختر و پسر با یکدیگر و به‌منظور ازدواج و... گرفتار لغزش شوند؛ زیرا این حیطه، حیطه‌ای است بسیار حساس و خطرناک و اگر در ابتدا نیز قصد سوء نداشته باشند، در ادامه کار آنچنان نیروهای شیطانی و انحراف کننده، قوی و زیاد است که احتمال گذشتن از حد و مرزها زیاد خواهد بود و غریزه جنسی چون گردابی است که هرچه به مرکز آن نزدیک شویم فرار از آن دشوارتر خواهد شد.

آسیب شناسی روابط دختر و پسر

با کمی دقت در روابط بسیاری از دختر و پسرها که ارتباطات دوستانه‌ای باهم در جامعه برقرار می‌کنند، می‌توان آسیب‌های روابط دختر و پسر را به چشم خود دید. در ادامه به برخی از آسیب‌های این‌گونه روابط دختر و پسر اشاره می‌کنیم:

الف) آسیب روحی و فردی

فقدان حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریاصفت است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد؛ همچون آتشی که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود.

روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و ازآن‌پس آرام می‌گیرد.

از طرفی تقاضای نامحدود،خواه‌ناخواه انجام نشدنی است و دست نیافتن به آرزوها به‌نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌شود. حال اگر در سطح جامعه، جاذبه‌های جنسی رواج یابد و دختر و پسر روابطی آزاد داشته باشند، جلوه‌گری‌های موجود در برخورد و حالات دختران موجب جلب توجه پسران شده، انحراف اذهان و آشفتگی فکر و دل آنها را در پی دارد. البته خود دختران نیز ضربه‌پذیر هستند زیرا چه بسیار دخترانی که سبب شوق دستیابی به نشانه‌های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی دچار می‌شوند. از طرف دیگر اگر در کوچه و خیابان، دلبری مرسوم گردد و جلوه‌گری هنر دختران محسوب شود دخترانی که از زیبایی لازم برخوردار نیستند در فشار و استرس قرار می‌گیرند و همیشه احساس کمبود و حقارت می‌کنند و لطمه‌های جدی بر روح و روان آنان وارد می‌شود.

آفت دیگر این است که افراد در این نوع روابط که معمولاً ناپایدار بوده و بر اساس سودجویی و لذت طلبی است نه تعهد، به شکست در عشق منتهی می‌شوند؛ و در نتیجه روح لطیف و بانشاط آنها گرفتار افسردگی می‌شود. افت تحصیلی و اتلاف عمر و وقت گرانبها؛ و... از دیگر آسیب‌های این دوستی‌ها است.

زنانی هم که ازدواج کرده‌اند با گذر زمان و افول زیبایی‌های ظاهری در رقابت با دختران جوانی که در جامعه جلوه‌گری می‌کنند دائما احساس خطر کرده و ارتباط صمیمی همسر خود با آنان را سمی مهلک برای خانواده می‌بینند. این احساس در مردان نیز قابل انکار نیست.

ب) آسیب اجتماعی

آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماعی است، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی است، زیرا از طرفی شخصیت و کرامت زن را در حد یک کالا برای کامجویی مردان تنزل می‌دهد و امنیت روانی لازم را برای فعالیت اجتماعی او از بین می‌برد و از طرف دیگر مردان، تمرکز کافی برای کارهای خود ندارند. هر چه روابط دختر و پسر ضابطه‌مندتر شود و جامعه از تحریکات شهوانی و جلوه‌گری‌های جنسی دور گردد، اجتماع سالم‌تر خواهد شد و افراد جامعه بهتر به کار خود رسیدگی کرده، جوانان در محیط کار، درس و دانشگاه راحت‌تر خواهند بود و به پیشرفت‌های بیشتری خواهند رسید. سرکوب شدن استعدادها، افزایش طلاق و مشاجرات مهم در زندگی و احتمال ظهور فرزندان نامشروع و... از دیگر پیامدهای اجتماعی این روابط خارج از چهارچوب است.

ج) آسیب خانوادگی:

معاشرت‌های آزاد و بی‌حدومرز در برخی خانواده‌ها، زمینه بی‌بندوباری پسران و دختران را فراهم ساخته و ازدواج را به‌صورت یک وظیفه، تکلیف و محدودیت درآورده است.

تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی محدود می‌کند با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می‌شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را ملزم می‌کند که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشد.

پس آسیب اول، بی‌رغبتی به ازدواج و تشکیل خانواده است. آسیب دیگر همان است که مرد، نگران و مضطرب است که مبادا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد.

پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عفیف نیست و در نتیجه روح بی‌اعتمادی و سوءظن در جامعه اوج می‌گیرد بنابراین روابط آزاد، زمینه‌ساز بسیاری از سوءظن‌ها است. پس ضعیف شدن حس اعتماد نسبت به همسر در آینده و سوءظن و بدبینی نسبت به دختران و پسران؛ رهاورد این نوع ارتباطات است.

نکته دیگری که در جوامع آزاد و مختلط، خانواده‌ها را تهدید می‌کند این است که زن و مرد، همواره در حال مقایسه‌اند، مقایسه آنچه دارند با آنچه ندارند و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه‌ها آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. از دیگر پیامدهای خانوادگی این نوعدوستی‌ها سرد بودن روابط عاطفی بین همسران و افزایش طلاق بین آنها و محرومیت از تشکیل خانواده پاک و آرامش‌بخش در آینده و حال و... است.

درباره روابط دختر و پسر کتاب‌های متعدد زیادی در این زمینه وجود دارد که هر یک به‌نوعی مطالب ارزشمند و مفیدی را بیان کرده‌اند که ما در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

- بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن. پدیدآورنده: عبدالله جوان. ناشر: دفتر عقل ۱۳۸۷.
- تحلیلی بر روابط دختر و پسر. پدیدآورنده: حمزه کریم‌خانی، ناشر: عطر یاس ۱۳۸۷.
- تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران. پدیدآورنده: علی‌اصغر احمدی. ناشر: انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۸۷.
- جوانی، فصل شکفتن، دکتر علی احمد پناهی (روانشناس اسلامی) نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- روابط بین دختر و پسر ازنظر شرع اسلام. پدیدآورنده: سید رحمان شفیعی. ناشر: سلسله الذهب ۱۳۸۸.
- روابط دختر و پسر در جامعه امروز. پدیدآورنده: نیاز جاودانی. ناشر: کتاب‌درمانی ۱۳۸۵.
- روابط دختر و پسر. پدیدآورنده: محمدعلی رضایی اصفهانی، جمعی از پژوهشگران. ناشر: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۶.
- روابط دختر و پسر، محمدرضا احمدی با همکاری جمعی از محققان، انتشارات دفتر نشر معارف
- روابط دختران و پسران. پدیدآورنده: محسن ماجراجو. ناشر: قدسیان ۱۳۸۹.
- نیمه پنهان (روابط دختر و پسر)، پدیدآورنده: مؤسسه پاسخگویی به سؤالات شرعی و شبهات دینی پیام من، ناشر: نسیم حیات ۱۳۸۸.

از:پرسمان قرآن

**پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عفیف نیست و در نتیجه روح بی‌اعتمادی و سوءظن در جامعه اوج می‌گیرد بنابراین روابط آزاد، زمینه‌ساز بسیاری از سوءظن‌ها است